ضمیمه 3
مقدمه‌ای بر روساله رومیان

مقدمه: در این ضمیمه، به منشأ این رساله خواهیم پرداخت، یعنی به این نکات که چه کسی آن را نوشت، و در چه زمان و چه مکانی به نگارش در آمد. خواهیم آموخت که چگونه می‌توان این رساله را به دو بخش تقسیم کرد. محتوا و پیامهای اصلی آن را فرا خواهیم گرفت. و سرانجام، خواهیم دید که چطـور می‌توان برخی از بخشهای دشوار آن را درك کرد.

الف) نویسندهٔ رساله رومیان
نویسنده شخصی است یهودی (9:3-4) که با متن عبری و یونـانی عهـدعتیق، و بـا عقایـد و تعصـبات یهودیان، و با جهان یونانی به‌خوبی آشنایی دارد. هویت نگارندهٔ رساله به رومیـان بـا قطعیـتی بیش از هـر کتاب دیگرِ کتاب‌مقدس و حتی آثار دنیای باستان به ثبوت رسیده است. در رساله، پولس خود را نویسـندهٔ آن معرفی می‌کند (1:1) و بارها با ضمیر اول شخص مفرد سخن می‌گوید. همهٔ پدران اولیه کلیسا اظهـار داشته‌اند که رسالهٔ رومیان را پولس نوشته است.

ب) گیرندگان رساله رومیان
کلیسای روم چگونه آغاز شد؟

1- پراکنده شدن یهودیان در سرزمینهای مختلف
پراکنده شدن یهودیان که با تبعید به آشور و بابـل آغـاز گشـت، سـبب شـد کـه ایشـان در کشـورهای مختلف نظیر بابل، مصـر، سـوریه، آسـیای صـغیر، یونـان، و ایتالیـا زنـدگی کننـد. طبـق مشـیت الهی، این «پراکندگی» موجب شد که انجیل اینقدر سریع در سراسر امـپراطوری روم اشـاعه یابـد. یهودیـان اجـازه یافته بودند که در تمام نقاط امپراطوری روم به مذهب خویش مطابق آداب و رسـوم خـود عمـل نماینـد. ایشان در همه جا در میان ملت‌های غیریهودی کنیسه ساخته بودند. غیریهودیان غالباً جذب یکتاپرستی ناب عهدعتیق می‌شدند و بسیاری از ایشان به مذهب یهود می‌گرویدند. «جدیدان» (اعمـال 13:43) آن دسـته از غیریهودیانی بودند که یهودی شده، و تمام شریعت را حفظ کـرده، ختنـه نـیز می‌شـدند. «خداپرسـتان» (اعمـال 16:14) آن غیریهودیـانی بودنـد کـه بـه خـدای یگانـه ایمـان آورده بودنـد و بـه ده فرمـان عمـل می‌کردند، اما ختنه نمی‌شدند و تمامی مناسك شریعت را بجا نمی‌آوردند. رسولان از آنجا که یهودی بودند، همیشه به کنیسه‌ها دسترسی داشتند، و در آنجا می‌توانستند انجیل را موعظه کرده، با مردم ملاقات کننـد بدون اینکه سوء ظن مقامات رومی را بر انگیزند. این جدیدان و خداپرسـتان بیش از همـه بـرای پـذیرش انجیل آمادگی داشتند و بنیان کلیساهای جدید در میان غیریهودیان را تشکیل دادند (اعمال 13:43-49).

2- یهودیان در روم
در روم یهودیان و نو-یهودیان بسیاری زندگی می‌کردند. ایشان در آغاز به‌عنوان زندانی به روم آمدنـد، اما پس از آزادی، جامعهٔ یهودیانِ روم را در آنسوی رود «تیبِر» تشکیل دادند. نفوذ آنـان بـر رومیهـا بسـیار بود. نویسندگان رومی نوشته‌اند که کنیسه‌ها مکان‌هایی عمومی برای تجمع بـود؛ ایشـان رومیهـایی را کـه یهـودی شـده بودنـد تمسـخر کرده‌انـد؛ همچـنین نوشـته‌اند کـه رومیهـای یهودی‌شـده بـه اورشـلیم هدیـه می‌فرستند.

3- سرآغاز کلیسای روم
نمی‌دانیم انجیل در چه زمانی برای نخستین بار به روم رسید.

الف) خدمت عیسی
نخستین خدمت روحانی به رومیها را خود عیسی انجام داد. او بـه غیریهودیـان خـدمت می‌کـرد (مـتی 8:5-11؛ یوحنا 4:7؛ـ 12:20-21). برای مثال، در متی 8:5-12 آمده که او خدمتکار یك افسـر رومی را شفا بخشید.

ب) خدمت پطرس
مطـابق اعمـال 2:10-11، در روز پنطیکاسـت (در مـاه مـه سـال 30 میلادی)، یهودیـان و رومیهـای یهودی‌شده از روم برای شرکت در این عید به اورشلیم آمده بودند. بعضی از آنان قطعاً جزو آن سه هزار نفری بودند که پس از موعظه پطرس به مسیحیت گرویدند، و به‌هنگام بازگشت به روم حتماً انجیل را در آنجا موعظه کردند.
این سنت که کلیسای روم را پطرس بنا نهاد محتمل است و مبتنی است بر اظهار «دیونوسیوس اهل قرنُس» در نیمه دوم قرن دوم. رویدادهای مذکور در فصل‌های 1 تا 12 اعمـال، بین سـالهای 30 تـا 44 میلادی رخ داده است. احتمال دارد که در این سالها، پطرس رسول یك یا چندین سفر به روم کرده باشـد تا جامعهٔ یهودیانِ مسیحی‌شده را در آنجا استوار سازد. در سال 36 میلادی، پطرس در اورشلیم بود تـا بـا

پولس که به‌تازگی ایمان آورده بود، ملاقات کند (اعمال 9:26-28؛ غلاطیان 1:18). در حدود سال 40، پیش از امپراطور شدنِ کلودیوس و اعطای فرمانروایی یهودیه به هیرودیس از سوی وی، پطرس برای نخستین بار انجیل را در قیصریه به غیریهودیان موعظه کرد. از سال 41 به بعد، رفتار یهودیان با رسولان در اورشلیم رو به وخامت گذاشت. در سال 44، پطرس بار دیگر در اورشلیم بود که به دست هیرودیس بازداشت و زندانی شد. کلیسا در خانهٔ مادر مرقس برای او دعا می‌کرد؛ او پس از آزادی‌اش در اثر دخالت الهی، «به جای دیگر» رفت. از آنجا که بسیاری از مسیحیان در خانهٔ مرقس گرد می‌آمدند، وی احتمالاً با سایر رسولان و بسیاری دیگر از پیروان اولیه عیسی آشنایی داشته است.

ج) خدمت مرقس

طبق شهادت پدران اولیه کلیسا، مرقس در روم با پطرس همکار بود. این امر احتمالاً مربوط به بعد از سال 44 می‌شود، یعنی زمانی که پطرس رسول اورشلیم را برای «جای دیگر» ترک گفت. یوزبیوس، یکی از پدران کلیسا، در حدود سال 300 میلادی چنین نوشت: «مرقس، شاگرد و مترجم پطرس، خودش آنچه را که پطرس موعظه کرده بود به ما سپرد.» کِلِمنت اهل اسکندریه در سال 190 نوشت: «سبب نگارش انجیل مرقس اینچنین بود: پطرس بطور عمومی در روم موعظه می‌کرد... مرقس برای مدتی طولانی او را پیروی کرده بود و سخنان او را به یاد داشت. بسیاری از افرادی که حضور داشتند، مرقس را ترغیب کردند تا آنچه را که پطرس گفته بود، بنویسد. او این کار را کرد و انجیل را در میان کسانی که این درخواست را از او کرده بودند، توزیع نمود. چون پطرس آگاه شد، این کار را نه شدیداً منع کرد و نه تشویق نمود.» پاپیاس که از شاگردان یوحنای رسول بود، در سال 115 نوشت: «مرقس مترجم پطرس گردید و به‌دقت آنچه را که از گفتار و کارهای خداوند به یاد داشت، به رشته تحریر در آورد... مرقس بسیار مراقب بود که چیزی از آنچه شنیده بود از قلم نیندازد و چیزی را به اشتباه ننویسد.» مطلقاً هیچ دلیل موجهی وجود ندارد که شهادت متفق‌القول مورخین باستان را منکر شویم مبنی بر اینکه مرقس این انجیل را نوشته و اینکه این کتاب مبتنی است بر موعظه و تعلیم پطرس رسول در روم. مرقس انجیل خود را احتمالاً بین سالهای 44 تا 46 در روم و برای رومیها به نگارش در آورد.

د) خدمت سایر مسیحیان

مردم از طریق شبکه راههای زمینی و دریایی، در تمام نقاط امپراطوری روم بسیار سفر می‌کردند؛ سفرهای دریایی هر ساله از ماه مارس تا اواسط نوامبر صورت می‌گرفت. در عهدجدید شاهد سفرهای بسیاری هستیم: پرسکله و اکیلا در دوره‌های مختلف زندگی خود از پُنطُس به روم، از روم به قرنتس (اعمال 18:2)، از قرنتس به افسس (اعمال 18:18-19؛ اول قرنتیان 16:19)، از افسس به روم (رومیان 16:3) و باز از روم به افسس (دوم تیموتاؤس 4:19) سفر کردند. همچنین لوقا و تیموتاؤس، تیطس، و خود پولس سفرهای متعددی انجام دادند (دوم قرنتیان 11:25-26). میان روم و تمام ایالت‌های امپراطوری رفت و آمد زیادی صورت می‌گرفت و مردم بسیار سفر می‌کردند. کلیسای انطاکیه که به امر بشارت اهمیتی فراوان می‌داد، قطعاً مسافرانی از روم و به روم داشت که می‌توانستند پیام انجیل را به آنجا ببرند و بدینسان کلیسای موجود در روم را تقویت کنند. به همین شکل، کلیساهای فیلیپی، قرنتس، و افسس احتمالاً در این امر همکاری داشته‌اند، زیرا میان شهرهای بزرگ و روم ارتباطی دائمی وجود داشت. پولس در رومیان 1:8 نوشت که ایمان مسیحیان روم در تمام دنیا شهرت یافته است. بنابراین، کلیسا روم قطعاً مدتها پیش از آن وجود داشته است. سویتونیوس، نویسنده رومی، (75-160 میلادی، در اثر خود بنام زندگی کلودیوس 15:4) چنین نوشته است: «از آنجا که یهودیان دائماً در اثر تحریکات شخصی بنام "کرستوس" بلوا به‌پا می‌کردند، کلودیوس ایشان را از روم اخراج کرد.» او به مشاجرات یهودیانِ مسیحی‌شده و یهودیانی که با این ایمان جدید خصومت داشتند، اشاره می‌کند. این امر در سال 49 روی داد، و از این رو، پرسکلا و اکیلا احتمالاً پیش از آنکه در سال 49 از روم به قرنتس بیایند، مسیحی شده بودند. نتیجه آنکه کلیسای روم احتمالاً به‌واسطهٔ شهادت مسیحیان عادی پا به عرصه وجود نهاد.

ه) خدمت پولس

پولس در طول سه سفر بشارتی اولش بین سالهای 47 تا 57 میلادی، با چندین ایماندار متعلق به کلیسای روم آشنا شده بود (رومیان 16:3-15). اما او خودش برای نخستین بار در سال 60 میلادی به‌عنوان زندانی به روم آمد. با اینحال، پولس در امر اعلام پیام انجیل از زندانش در روم بسیار موفق بود، طوری که بر همه محافظین مخصوص دربار روشن شد که پولس نه بخاطر ارتکاب جرم، بلکه بخاطر مسیحی بودن در حبس است (اعمال 28 و فیلیپیان 1:12-14). پولس بین سالهای 60 تا 61 از زندانش در روم، رساله‌های کولسیان، فیلمون، افسسیان، و فیلیپیان را نوشت. سرانجام، به‌هنگام دومین دورهٔ حبسش در روم، پولس نامه دوم به تیموتاؤس را نوشت که آخرین نامه‌اش در حدود سالهای 64 یا 65 بود. زمانی که پولس در روم بود، پطرس در آنجا نبود، چه در اینصورت، پولس به او اشاره می‌کرد.

و) سنت مربوط به خدمات رسولان در روم

هنگامی که پولس در طول مدت بین دو دورهٔ حبسش در روم، بین سالهای 61 تا 64 سفرهای متعددی انجام می‌داد، پطرس رسول و مرقس در روم بودند (اول پطرس 5:13). پطرس دو رساله خود

را از روم در حدود سال 63 نوشت. یکی از پدران کلیسا در قرن چهارم، بنام آمبروزیاستِر، در تفسیری که بر رساله رومیان نوشته، ذکر کرده که کلیسای روم را نه رسولان، بلکه یك مسیحی یهودی‌نژاد بنیاد نهاد و به کلیسا «شکلی یهودی» بخشید (مقایسه کنید با اعمال 15:1؛ـ 21:24). سنتی که طبق آن پطرس به‌مدت 25 سال، یعنی از سال 42 تا 67 اسقف روم بود، بسیار تردیدآمیز است، چرا که در این صورت، پولس نمی‌توانست این امر را در رساله‌اش به رومیان مسکوت بگذارد، و لوقا نیز نمی‌توانست آن را در کتاب اعمال رسول متذکر نشود!

4- وضعیت کلیسای روم

کلیسای روم تشکیل شده بود از اکثریتی از امت‌ها (غیریهودیان) و اقلیتی از یهودیانِ مسیحی‌شده (1:5-6، 13؛ 11:13؛ 15:9-18). این امر موجب بروز تنشهایی در کلیسا گردید.

الف) پولس رسول با عقایدی مبارزه می‌کرد که معمولاً از سوی یهودیان و گروندگان به یهودیت ابراز می‌شد:

یهودیان معتقد بودند که تعلق به تبار ابراهیم، ختنه شدن، و حفظ شریعت کافی است تا شخص مقبول خدا واقع شود. فقیهان ایشان تعلیم می‌دادند که خدا به ابراهیم وعده داده است که تبار او را صرفاً بخاطر شایستگی وی رستگار خواهد ساخت، صرف‌نظر از اینکه ایشان چقدر خداترس یا گناهکار باشند. آنان همچنین تعلیم می‌دادند که هیچ شخص ختنه‌شده‌ای هرگز به جهنم نخواهد رفت و اینکه تمام مردم اسرائیل در حیات جاودان سهیم خواهند بود. یهودیان بر این باور بودند که برکات ناشی از ملکوت مسیحای موعود فقط مختص یهودیان و گروندگان به یهودیت خواهد بود. اما یهودیان خود را چنان از غیریهودیان برتر می‌دانستند که می‌پنداشتند ملکوت و فرمانروایی خدا و تمامی برکاتش فقط مختص به قوم اسرائیل (یهودیان) خواهد بود. غیریهودیان با یهودی شدن، فقط می‌توانستند به‌عنوان افرادی زیردست در ملکوت خدا بسر ببرند. از این سبب بود که برای یهودیانِ امری مغایر با تعهدشان به مسیحای پادشاه بود که تحت حاکمیت و سلطهٔ ملت‌های غیریهودی قرار گیرند. ایشان مایل به پرداخت خراج به رومیها نبودند و ایشان را پست و حقیر می‌شمارند. این امر دائماً موجب بروز شورش می‌شد، و سبب اخراجشان از روم، و سرانجام ویرانی اورشلیم و معبد بزرگ آن گردید.

ب) پولس رسول غیریهودیان مسیحی را سرزنش می‌کرد که چرا ملاحظهٔ وسواس‌های مسیحیان یهودی‌نژاد را نمی‌کنند.

(14:1 تا 15:13). او تعلیم داد که مسیحیان قوی نباید به حساسیت‌ها و وسواس‌های مسیحیان ضعیف به دیدهٔ تحقیر بنگرند؛ مسیحیان ضعیف را نیز پند داد که اعتقادات مسیحیان قوی را مورد قضاوت قرار ندهند.

ج) پولس رسول تعلیم داد که فقط یك انجیل، یعنی یك پیام نجات وجود دارد، چه برای غیریهودیان چه برای یهودیان.

هم غیریهودیان و هم یهودیان گناه کرده‌اند و از معیار کامل الهی و هدف پرجلال خدا برای زندگی‌شان کوتاه آمده‌اند (3:23). هم غیریهودیان و هم یهودیان از یك راه نجات می‌یابند یا عادل شمرده می‌شوند، و آن راه همانا مرگ کفاره‌ای عیسی مسیح و ایمان می‌باشد (3:24-25). هم غیریهودیان و هم یهودیان به شرط ایمان، تبار حقیقی ابراهیم می‌گردند (4:11-12). بطور خلاصه، مطابق رومیان 10:12-13، «در یهود و یونانی تفاوتی نیست... هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت.»

ج) تاریخ و محل نگارش رومیان

1- محل نگارش رومیان

مطابق اعمال 20:2-3، پولس در پایان سفر سوم بشارتی‌اش، از طریق مقدونیه (مکادونیه) به قرنتس سفر کرد. این سومین دیدار پولس از قرنتس بود. او پیش از زمستان سال 56 به قرنتس رسید و سه ماه در آنجا ماند. شواهد همگی حاکی از آنند که قرنتس محلی است که پولس رساله به رومیان را نوشت.

2- تاریخ نگارش رومیان

از آنجا که پولس قصد داشت پیش از پنطیکاست به اورشلیم برسد (اعمال 20:16)، رساله به «رومیان» را در قرنتس در اواخر زمستان یا اوائل بهار سال 57 میلادی نوشت. عموماً تصور می‌شود که نامه پولس را فیبی از قرنتس به روم برد (رومیان 16:1-2). هدف پولس تعلیم این حقیقت بود که «عادل‌شمردگی توسط فیض به‌واسطهٔ ایمان می‌باشد». در رومیان 15:23-24، پولس اظهار می‌دارد که خدمت بشارتی‌اش در بخش شرقی امپراطوری روم رو به اتمام است و قصد دارد در بخش غربی امپراطوری به خدمت بپردازد، خصوصاً در خودِ روم و اسپانیا. طبق رومیان 1:10، پولس احساس می‌کرد که آن زمان اینك فرا رسیده است. بنابراین، او رساله به رومیان را در اواخر سفر سوم بشارتی‌اش نوشت.

3- تاریخ سفر سوم بشارتی پولس

تاریخ مربوط به سفر سوم بشارتی پولس را بر اساس تاریخ زمامداری فلیکس و فستوس در یهودیه تعیین می‌کنند. فلیکس از سال 52 تا 59 فرماندار یهودیه بود، و فستوس از سال 59 تا 61 میلادی. مطابق اعمال 24:27، پولس پیش از زمامداری فستوس به مدت دو سال در زندان بسر برده بود. به این ترتیب، دوره حبس پولس در قیصریه سالهای 57 تا 59 بوده، و تاریخ سفر سوم بشارتی‌اش می‌بایست از سال 53 تا 57 بوده باشد.

د) هدف رساله رومیان

1- پولس مایل بود خدمتی شخصی در روم داشته باشد

مطابق رومیان 15:23، پولس در شرف خاتمه خدمتش در بخش شرقی امپراطوری روم بود و میل داشت خدمت خود را در بخش غربی آغاز کند، خصوصاً در روم و اسپانیا. پولس به خدمتی که در نظر داشت در روم انجام دهد، با تواضع می‌نگریست، و می‌گفت که نه فقط می‌خواهد ثمری در میان ایشان حاصل کند، بلکه می‌خواست از ایمان ایشان تسلی نیز بیابد. با اینحال، مشتاق بود تا انجیل را در روم موعظه کند (1:8-15). اما پولس مطمئن نبود که آیا موفق به انجام این سفر خواهد شد یا نه، زیرا قبلاً با موانعی بر سر راه این سفر روبرو شده بود و از مخالفت یهودیان، به‌ویژه در اورشلیم، به‌خوبی آگاه بود (اعمال 20:3، 22-23).

2- پولس به مسیحیان روم کمك می‌کرد تا از خود در برابر حملات بی‌امان یهودیان دفاع کنند

پولس از این احتمال آگاه بود که ممکن است هیچگاه موفق به دیدار برادرانش در روم نشود؛ همین امر سبب شد که نامه‌ای به این سبك بنویسد. سبك این نامه انسان را به یاد نحوهٔ مباحثه پولس با یهودیانِ بی‌ایمان در طول سفرهای بشارتی‌اش می‌اندازد (4:1؛ـ 6:1؛ـ 7:7؛ـ 8:31؛ـ 9:14،30). پولس می‌دانست که بسیاری از یهودیانِ بی‌ایمان مسیحیان روم را احاطه کرده‌اند؛ او می‌خواست ایشان را کمك کند تا در مقابل چنین مخالفینی از ایمان مسیحی خود دفاع کنند و حتی آنان را بسوی مسیح هدایت نمایند. رساله به رومیان واقعاً خلاصه‌ای کامل از اعتقادات مسیحی نیست. پولس دقیقاً می‌دانست که کلیسای روم به چه چیز نیاز دارد. از اینرو، تحت هدایت روح‌القدس، فصل‌های 1 تا 8 را در زمینهٔ چگونگی نجات گناهکاران به نگارش در آورد. نه فقط کلیسای روم، بلکه هر کلیسا و هر شخص دیگری در همه دوران‌ها شدیداً به آن نیاز دارد. در فصل‌های 9 تا 11، او تشریح کرد که با آمدن عیسی مسیح، یهودیان اکنون از چه جایگاهی برخوردارند، و در فصل 14 به شرح برخی جنبه‌های عملی مناسك شریعت عهدعتیق پرداخت.

3- پولس مسیحیان روم را در خصوص رفتار مسیحی راهنمایی می‌کند

روم پایتخت امپراطوری روم و شهری بسیار بزرگ بود و مردم از ملل مختلف در آن زندگی می‌کردند. پولس مسیحیان را پند داد تا چگونه با یکدیگر، با مخالفان، و با مقامات حکومتی رفتار کنند. او همچنین تعلیم داد که مسیحیان قوی و ضعیف چه رفتاری باید با یکدیگر داشته باشند.

4- پولس خواهان همکاری مسیحیان روم برای سفر بشارتی‌اش به اسپانیا بود

پولس در رومیان 15:24 ابراز امیدواری کرد که کلیسای روم او را در سفر بشارتی‌اش به اسپانیا یاری دهند.

از آنجا که پولس از نوشتن رساله به رومیان هدف‌های متعددی داشت، می‌توان آنها را از گفته‌های خودش که در اول قرنتیان 9:22 و 10:31 آمده، چنین خلاصه کرد: «همه کس را همه چیز گردیدم تا به هر نوعی بعضی را برهانم» و «پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید.»

ه) تقسیم‌بندی رومیان

به رساله رومیان می‌توان این عنوان را داد: «رومیان، انجیلی در بارهٔ عدالت خدا» یا «رومیان، رهنمودی مسیحی در بارهٔ عدالت خدا.» در این رساله، عیسی مسیح همچون عدالت ما به تصویر کشیده شده است. موضوع اصلی رساله در رومیان 1:16-17 آمده است که می‌فرماید: «انجیل... قوت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد... چنانکه مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» رساله به رومیان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

1- بخش تعلیمی: به عدالت خدا ایمان بیاورید (فصل‌های 1تا11)

این بخش را می‌توان به چهار جزء تقسیم کرد:

الف) جزء نخست: نیاز به عدالت خدا

این در رومیان 1:1 تا 3:20 آمده است. در فصل 1، پولس با اشاره به گناهان فاحش غیریهودیان، بیان می‌دارد که ایشان واقعاً به عدالت خدا نیاز دارند. در فصل دوم، با اشاره به گناهان یهودیان، نشان می‌دهد که یهودیان نیز واقعاً به عدالت خدا محتاج‌اند. در 3:1-20 او چنین نتیجه می‌گیرد که گناه و محکومیتِ ناشی از آن، فراگیر است. عدالت ناب انسانی در جهان وجود ندارد.

ب) جزء دوم: راه دریافت عدالت خدا
این در 3:21 تا 4:25 آمده است. در 3:21-31، پولس تعلیم می‌دهد که خدا عدالت خود را در قربانی کفاره‌کننده‌ای که عیسی مسیح بر روی صلیب تقدیم کرد، مکشوف ساخته است. هر کس که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، می‌تواند عدالت خدا را دریافت کند. در فصل 4، پولس ثابت می‌کند که راه رستگاری در عهدعتیق نیز همان عدالت خدا از طریق ایمان بود.

ج) جزء سوم: اثرات عدالت خدا
این در فصل‌های 5 تا 8 رومیان آمده است. در فصل 5، ذکر شده که عدالت خدا ثمراتی نظیر آرامش و اطمینان به نجات کامل را به‌همراه می‌آورد. در فصل 6، عدالت خدا بگونه‌ای لاینفك به زندگی مقدس مرتبط شده است. در فصل 7، شخص مسیحی از شریعت، آنگونه که یهودیان تعبیر می‌کردند، آزاد می‌شود (آیات 1 تا 6)، و هر گناهکار کارکردهای شریعت اخلاقی خدا را تجربه می‌کند (آیات 7 تا 13)، و هر مسیحی نیز کشمکش با شریعت گناه را تجربه می‌کند، شریعتی که هنوز جزئی از طبیعت اوست (آیات 14 تا 25). در فصل 8، شخص مسیحی کار روح‌القدس را تجربه می‌کند (آیات 1 تا 27) و در هر شرایطی بیش از حد نصرت می‌یابد (آیات 27 تا 39).

د) جزء چهارم: عطاکنندهٔ عدالت خدا
این در فصل‌های 9 تا 11 رومیان آمده است. در فصل 9، با اشاره به بی‌ایمانی اسرائیل، عدالت و امانت خدا به اثبات می‌رسد. بی‌ایمانی و رد شدن اسرائیل تمام و کمال نبود: باقی‌ماندگانی هنوز بودند. در فصل 10، عدالت خدا در مسیح در دسترس تمام کسانی است که ایمان می‌آورند، بدون توجه به اینکه غیریهودی است یا یهودی. بی‌ایمانی و رد شدن اسرائیل جابرانه نبود: دعوت خدا به نجات هنوز برای یهودیان موجود است. در فصل 11، خدا از سقوط اسرائیل استفاده می‌کند تا انبوه غیریهودیان را نجات بخشد، و از نجات غیریهودیان استفاده می‌کند تا انبوه اسرائیلیان را نجات دهد (آیات 11 تا 24). بی‌ایمانی و رد شدن اسرائیل قطعی و نهایی نبود: خدا نه فقط پُری غیریهودیان را نجات خواهد بخشید، بلکه پُری یهودیان را نیز، یعنی تمام آنانی را که او بر گزید، آنانی که قطعاً به عیسی مسیح ایمان خواهند آورد (آیات 25 تا 32).

2- بخش عملی: عدالت خدا را به جا بیاورید (فصل‌ها 12-16)
این بخش را می‌توان به دو جزء تقسیم کرد:

الف) جزء نخست: تجلی یافتن عدالت خدا
این در رومیان 12:1 تا 15:13 آمده است. فصل 12 تعلیمی است در بارهٔ رفتار شخص مسیحی در قبال خدا، سایر مسیحیان، و مخالفان. فصل 13 تعلیمی است در بارهٔ رفتار شخص مسیحی در قبال حکومت، همسایه، و مسیح. 14:1 تا 15:13 رفتار متقابل مسیحیان قوی و ضعیف را تعلیم می‌دهد.

ب) جزء دوم: همکاران عدالت خدا
این در رومیان 15:14 تا 16:27 آمده است. در 15:14-33 خدمت و روش و نقشه پولس در میان غیریهودیان تشریح شده است. فصل 16 به توصیف سایر همکاران عدالت خدا می‌پردازد.

و) پیامهای اصلی رومیان

1- خدا خود را بر همهٔ انسانها در طول تاریخ آشکار ساخته است
خدا خود را به‌واسطهٔ خلقتش آشکار ساخته است. مطابق رومیان 1:19-20، او وجود یا واقعیت و قدرت خود را به‌واسطهٔ آنچه که در خلقت می‌توان دید، منکشف ساخته است. همچنین خدا خود را از طریق التزامات و اقتضاهای شریعتش که در قلب هر انسانی نوشته شده، آشکار کرده است. مطابق رومیان 2:15، او اراده‌اش را در باره منش و رفتار انسان از طریق آنچه که انسان در قلبش می‌داند و وجدانش نیز بر آن شهادت می‌دهد، مکشوف ساخته است. راههای دیگری که خدا برای منکشف ساختن خود بر انسان به‌کار برده، عبارتند از: داوری بر گناه انسان (مطابق پیدایش 6:5ـ 11-13)، توجه خیرخواهانهٔ او نسبت به انسان (مطابق اعمال 14:17 و 17:24-28) و موعظه انجیل (مطابق متی 24:14). از آنجا که خدا وجود خود را بر همهٔ انسانها منکشف ساخته است، هیچکس بهانه‌ای ندارد برای اینکه خدا را نجوید (3:11، 19).

2- همه انسانها در تمام طول تاریخ، گناه کرده‌اند
مطابق رومیان 3:23، «همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند». «گناه کردن» یعنی کوتاه آمدن از معیار کامل الهی و بر آورده نساختن هدف خدا برای زندگی که همانا متجلی ساختن حضور و صفات پرجلال خدا می‌باشد. بنابراین، مطابق رومیان 3:10-11، میان ملت‌ها هیچ تفاوتی نیست. گرچه انسانها ممکن است در نظر خود عادل جلوه کنند، اما هیچ انسانی در نظر خدا عادل نیست. با اینکه انسانها می‌دانند که دنیا دچار مشکلات است، اما هیچکس نیست که وضعیت وخیم خود را واقعاً درك کند. انسانها گرچه در جستجوی دانش و پاسخ به سؤالاتشان می‌باشند، اما کسی نیست که بدنبال خدا باشد،

خدایی که «سرچشمهٔ» درك و نجات است. از آنجا که همه انسانها در تمام طول تاریخ گناه کرده‌اند، همهٔ انسانها در تمام طول تاریخ به نجات نیاز دارند؛ یعنی پیش از آنکه بتوانند نجات بیابند، نیاز دارند که عدالت خدا را دریافت دارند.

3- انسان فقط از راه ایمان عادل می‌شود

موسی در لاویان 18:5 فرمود که شخصی که از احکام شریعت خدا اطاعت می‌کند، «در آنها زیست خواهد کرد.» طبق رومیان 10:2-5، یهودیان این آیه را بدین معنا می‌پنداشتند که هر که بکوشد شریعت را تا حد توان خود حفظ کند، عادل شمرده خواهد شد و حیات جاودان را دریاف خواهد داشت، یعنی اینکه نجات خواهد یافت. از اینرو یهودیان می‌کوشیدند تا با اطاعت از تمامی احکام شریعت خدا تا به حد توان خود، عدالت خویش را ثابت کنند.

اما آنان در اشتباه بودند. ایشان فراموش کرده بودند که آنچه خدا می‌خواست این نبود که شخص تا حد توان خود شریعت را حفظ کند؛ او اطاعت کامل از شریعت را می‌خواست! اما هیچکس در تاریخ بشر قادر به اطاعت کامل از شریعت خدا نبود. همه از معیار کامل الهی کوتاه می‌آیند. رومیان 3:19-20 می‌فرماید که هیچکس از طریق انجام شریعت، در نظر خدا عادل به حساب نخواهد آمد، زیرا هیچکس نمی‌تواند شریعت را بطور کامل حفظ کند. هر دهانی در این جهان بسته خواهد شد. هیچکس در حضور خدا بهانه‌ای نخواهد داشت. همهٔ مردم دنیا در حضور خدا مسؤول و پاسخگو خواهند بود.

رومیان 10:4 می‌فرماید که عیسی مسیح «انجام شریعت» است، طوری که انسانها بتوانند با ایمان به او، عدالت خدا را دریافت دارند. عیسی مسیح بی‌گناه بود و تمامی اقتضاهای شریعت را بطور کامل انجام داد. هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، عدالت خدا را به‌عنوان هدیه‌ای رایگان و فیض‌آمیز از خدا دریافت خواهد داشت. هیچکس نمی‌تواند با حفظ شریعت خدا یا انجام کارهای نیك، عدالت خود را در حضور خدا کسب کند. اما همه می‌توانند عدالت خدا را دریافت دارند اگر ایمان آورند به این که عیسی مسیح به جای ایشان مرد تا تمامی گناهانشان را کفاره کند. لذا رومیان 3:28 می‌فرماید: «انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود.»

رومیان 1:4-5 ثابت می‌کند که عهدعتیق تعلیم نمی‌دهد که انسان می‌تواند از طریق انجام اعمال شریعت عادل شمرده شود. پیدایش 15:6 می‌فرماید که ابراهیم «به خدا ایمان آورد و او این را برای وی عدالت محسوب کرد.» انسانها ممکن است در مقابل دیگران به انجام اعمال شریعت فخر بفروشند، اما در حضور خدا نمی‌توانند چنین کنند. اشخاصی که بر اعمالی که طبق شریعت انجام می‌دهند توکل می‌کنند، می‌کوشند خود را در حضور خدا عادل جلوه دهند، اما خدا خودش آنانی را عادل می‌شمارد که به عیسی مسیح ایمان آورند.

4- آنانی که از طریق ایمان عادل شمرده شده‌اند، با خدا در صلح و سلامتی بسر می‌برند (5:1)

برای کسی که به ایمان مسیح ایمان می‌آورد، «سلامتی» نخست به معنی اطمینان به این است که گناهان گذشته‌اش بخشوده شده‌اند، و اینکه در حضور خدا عادل شمرده شده، و با او مصالحه داده شده است (1:5-2، 10). «سلامتی» در وهلهٔ دوم به این معنی است که تمامی شرارت‌های زمان حاضر توسط خدا برای خیریت شخص مسیحی باطل شده است، و اینکه رنجهایی که متحمل می‌شود باعث پیدایی صبر و سجایای مسیحی و امید می‌گردد (3:5-5؛ 28:8). «سلامتی» در وهلهٔ سوم به این معنی است که رویدادهای آینده بر روی زمین، نمی‌توانند شخص مسیحی را از خدا جدا سازند، و اینکه فرد مسیحی از خشم آیندهٔ خدا رهایی یافته، و هیچکس و هیچ شرایط دشواری نمی‌تواند او را از محبتی که خدا به او دارد جدا سازد (5:9، 21؛ 8:37-39).

5- شریعت عهدعتیق گرچه نجات نمی‌بخشد، بااینحال نقش مهمی دارد

هیچکس با انجام شریعت نجات نمی‌یابد (3:28). شریعت همچون «آینه‌ای» است که انسان می‌تواند گناه خود را در آن تشخیص دهد (3:20). شریعت همچون «ذره‌بینی» عمل می‌کند که توسط آن انسان بزرگی و زشتی گناهانش را مشاهده می‌کند (5:20). شریعت مانند «قاضی»یی عمل می‌کند که همهٔ انسانها را محکوم کرده، ایشان را در برابر خدا مسؤول و پاسخگو به‌حساب می‌آورد (3:19). شریعت همچون «معلم مدرسه» (یا لَله) است که نیاز انسان را به مسیح و عدالت مسیح نشان می‌دهد (غلاطیان 3:24). شریعت همچون «راهنمایی» عمل می‌کند که به انسان نشان می‌دهد چگونه زندگی مسیح‌گونه داشته باشد (13:8-10). شریعت همچون «افساری» عمل می‌کند که هر نوع شرارت را در میان انسانها مهار می‌کند (اول تیموتاؤس 1:9-11).

6- عادل‌شمردگی بگونه‌ای لاینفك به تقدیس مربوط است

«عادل‌شمردگی» یعنی اینکه خدا به شخص طوری نگاه می‌کند و با او طوری رفتار می‌کند که گویی در حضور او کاملاً عادل است؛ او این کار را بر اساس کفارهٔ مسیح برای گناهان انجام می‌دهد، کفاره‌ای که باید با ایمان پذیرفته شود. «تقدیس» در فصل 6 رومیان یعنی «مقدس بودن» که بیشتر یك حالت و موقعیت است تا یك فرایند. در فصل 6 رومیان تأکید بر فرایند مقدس شدنِ روزافزوان نیست، بلکه بر قطع رابطه‌ای همیشگی با گناه و تعهد به عدالت می‌باشد.

رومیان 6:5-7 تعلیم می‌دهد که هر که به‌واسطهٔ ایمان با مرگ مسیح متحد شده است، قطعاً با قیام او نیز متحد خواهد شد. از طریق ایمان به مسیح، انسانیت کهنهٔ او با مسیح مصلوب شده طوری که بدن

او دیگر تحت کنترل طبیعت گناه‌آلود نیست و بندگی غیرارادی و اجباری گناه بطور کامل لغو شده است. پولس تعلیم می‌دهد که ماهیت و طرح واقعی مسیحیت این است که تازگی حیات را بوجود آورد. او ثابت می‌کند که ماهیت اتحاد با مسیح اینچنین است، یعنی اینکه محال است که کسی در برکات مرگ مسیح بهره‌مند گردد، بدون اینکه در برکات قیام او سهیم نگردد! «سهیم شدن در برکات قیام مسیح» در وهلهٔ اول یعنی «انطباق و اتحاد با مسیح برای یك زندگی مقدس در این دنیا» و در وهلهٔ دوم یعنی «انطباق و اتحاد با مسیح برای یك زندگی پرجلالِ ابدی در روح و جسم در عالم آینده» (8:11). هر دوِ اینها جزو حیات تازه‌ای است که از مسیح بسوی ما جاری می‌شود.

پولس از یك سو تعلیم می‌دهد که محال است که شخص با مرگ مسیح متحد شود، بدون اینکه با حیات او نیز متحد شود ! میان مرگ و قیام حقیقی مسیح و مرگ و قیام روحانی شخص ایماندار قیاس و تشابهی وجود دارد. همچنین میان این دو رابطهٔ علت و معلولی موجود است: همانطور که قیام مسیح نتیجهٔ قطعی مرگش بود، به همان شکل زندگی مقدس نتیجه قطعی مرگِ شخص ایماندار با مسیح می‌باشد. قیام مسیح باعث قطعیتِ تقدیس شخص مسیحی می‌گردد! او در حیات مسیح شریك می‌شود زیرا در مرگ او نیز شریك شد.

از سوی دیگر، او تعلیم می‌دهد که محال است که شخص با حیات مسیح متحد شود بدون اینکه با مرگ او متحد شده باشد ! شخص مسیحی برای اینکه مقدس باشد باید با خدا مصالحه کرده باشد، و نمی‌تواند مصالحه کند بدون اینکه مقدس شود! او باید عادل شمرده شود تا بتواند تقدیس گردد! همانگونه که مرگ مسیح پیش از قیامش رخ داد، عادل‌شمردگی و مصالحه با خدا نیز باید پیش از زندگی مقدس روی دهد. مرگ مسیح باعث قطعیت عادل‌شمردگی شخص مسیحی می‌گردد! فرد مسیحی در مرگ مسیح شریك می‌شود تا در حیات او نیز شریك گردد. بدینسان، رساله رومیان تعلیم می‌دهد که حالت عادل‌شمردگی و حالت تقدیس غیر قابل تفکیك‌اند! حالت مقدس بودن منجر به فرایند تقدیس می‌گردد. مرگ و قیام عیسی مسیح باعث قطعیت عادل‌شمردگی و تقدیس شخص مسیحی می‌شود. فرد مسیحی به‌واسطهٔ ایمان به عیسی مسیح، در مرگ و قیام مسیح شریك می‌گردد!

7- مسیحیان باید در روح زندگی کنند

«زیستن در روح» تجربه‌ای عرفانی نیست، بلکه مسؤولیتی است روزانه و ملموس. مطابق رومیان 8:5 این امر به معنی متمرکز شدن و توجه به ارادهٔ روح‌القدس است، یعنی متمرکز شدن بر تعلیم کتاب‌مقدس (یوحنا 14:26؛ 16:13-14؛ افسسیان 6:17). و مطابق رومیان 8:13، این امر به‌معنی میراندن اعمالِ بدِ جسم است، یعنی میراندن هر نوع گناه که از طریق بدن انسان متجلی می‌شود. به همین دلیل است که در رومیان 6:13 و 19 مسیحیان ترغیب شده‌اند که دیگر اعضای بدن خود را وسیله‌ای برای انجام کارهای شرارت‌آلود نسازند، بلکه آنها را همچون ابزاری برای انجام کارهای درست به خدا تقدیم کنند.

8- خدا در همه چیز حاکم و متعال است

مطابق رومیان 8:29-30 همه آنانی که از سوی خدا برگزیده شده‌اند، نجات خواهند یافت. لذا خدا در آنانی که نجات می‌دهد متعال و حاکم است. طبق رومیان 8:35-39، هیچ رویدادی بر روی زمین نمی‌تواند شخص مسیحی را از خدا یا محبتی که خدا نسبت به او دارد جدا سازد. لذا خدا در محبت خود متعال و حاکم است. بموجب رومیان 8:28، هر چه در این جهان روی می‌دهد، از سوی خدا برای خیریت مسیحیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا خدا در مهربانی‌اش حاکم و متعال است. تعالی و حاکمیت خدا به این معناست که خدا فرمانروای عالم هستی است و هیچکس نمی‌تواند مانع از این شود که او نقشه‌اش را برای این جهان و برای فرد فرد مسیحیان به‌عمل آورد.

9- انسان در اثر کاری که خدا کرده، فرزند او می‌شود

مطابق رومیان 9:6-9، انسان فرزند خدا می‌شود، نه بخاطر تبار انسانی‌اش، بلکه فقط بخاطر وعدهٔ مطلق و حاکمانه خدا. مطابق رومیان 9:10-13 انسان فرزند خدا می‌شود نه در اثر شایستگی ناشی از کارهای نیکش، بلکه فقط بخاطر انتخاب و دعوت حاکمانهٔ خدا (دوم تسالونیکیان 2:13-14). مطابق رومیان 9:14-16، انسان فرزند خدا می‌شود نه بخاطر تلاش یا اشتیاق انسانی یا ارادهٔ آزاد خود، بلکه فقط به‌واسطهٔ رحمت حاکمانهٔ خدا (9:18). به همین سبب است که عیسی مسیح تعلیم داد و فرمود: «هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من می‌آید... کسی نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند» (یوحنا 6:37،44،65).

10- نقشهٔ خدا این است که هم یهودیان و هم غیریهودیان را نجات بخشد

رد شدنِ اسرائیلِ نامطیع منجر به پذیرش انبوه غیریهودیانی گردید که ایمان آوردند (11:11-27). و پذیرش غیریهودیانِ ایماندار منجر به پذیرش انبوه یهودیانی می‌گردد که ایمان می‌آورند. به این ترتیب، همهٔ آنانی که خدا از غیریهودیان و یهودیان در تمامی نسل در طول تاریخ برگزید، نجات خواهند یافت. تعداد بیشماری از غیریهودیان و یهودیان نجات خواهند یافت. اما غیریهودیان بی‌ایمان و یهودیان بی‌ایمان هرگز به ملکوت خدا داخل نخواهند شد (متی 8:11-12؛ مکاشفه 21:8).

11- خدا خواهان آن است که مسیحیان دگرگون شوند

مطابق رومیان 12:1-3 و 13:14، همه مسیحیان باید دائماً دگرگون شوند و بیش از پیش به شباهت مسیح در آیند. گرچه ابتکار عمل در امر نجات و زندگی شخص در دست خدا است، اما هر مسیحی مسؤول است که به ابتکار عمل خدا و اقدام او پاسخ مثبت دهد. رساله به رومیان تعلیم می‌دهد که «بدون حالت تقدس و نتیجتاً بدون فرایند تقدیس، حالت عادل‌شمردگی» وجود ندارد و اینکه «بدون مسؤولیت انسان، انتخاب الهی» وجود ندارد. یك شخص مسیحی اگر زندگی‌اش آکنده از شك و نافرمانی باشد، هرگز نمی‌تواند مطمئن باشد که نجات یافته است. در فکر و زندگی مسیحیان، آموزه‌های گزینش الهی و عادل‌شمردگی نمی‌تواند از آموزه‌های مسؤولیت انسان و تقدیس جدا شود.

12- خدا خواهان آن است که مسیحیان مطیع همه مقامات باشند

مطابق رومیان 13، همه مسیحیان باید مطیع مقاماتی باشند که خدا بر ایشان مقرر داشته است. همهٔ انسانها باید مطیع قدرت خدا باشند. و همه شهروندان باید مطیع مقامات کشوری باشند، مگر اینکه حکم آنان مغایر احکام الهی باشد. باید با تمامی قدرت‌های انسانی که بر ضد اقتدار الهی هستند، بگونه‌ای درست مقاومت کرد.

13- خدا خواهان آن است که مسیحیان یکدیگر را بپذیرند

مطابق رومیان 14:1 تا 15:13، مسیحیان قوی باید وسواس‌های مسیحیان ضعیف را بپذیرند و مسیحیان ضعیف نیز باید از محکوم کردن اعتقادات مسیحیان قوی بپرهیزند، به شرط آنکه این وسواس‌ها و اعتقادات با حقایق کتاب‌مقدس مغایرت نداشته باشند.